

ویژگی‌های خانواده قرآنی

حجت الاسلام والمسلمین عباس کوثری*

اشاره

خانواده، واحدی است اجتماعی که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد و فرزندان، آن را تکمیل می‌کند. خانواده، پایه و اساس اصلاحات جامعه بشری است و بدون وجود آن، حیات اجتماعی، شکل و بنیانی درست نخواهد گرفت. در اسلام، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد که بر اساس آرامش، محبت و رحمت پایه‌گذاری شده است و حقوق متقابل و مسئولیت‌پذیری را برای آنان مقرر داشته و در نظامی متعالی با ویژگی‌هایی خاص، آن را متجلی نموده است. در این راستا، نگاهی به آیات قرآن می‌تواند ترسیمی زیبا از خانواده قرآنی و ویژگی‌های آن را در نظر آورد و از آن‌جا که این هدف، با شناخت انواع خانواده‌ها بهتر انجام می‌پذیرد، در این نوشتار، نخست به بیان انواع خانواده‌ها می‌پردازیم.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

انواع خانواده

در قرآن کریم چهار نوع خانواده معرفی شده است:

۱. خانواده‌ای که در آن، زن، برخوردار از شخصیتی معنوی - الهی است؛ اما مرد از فطرت الهی خویش روی گردانده و هویت و ارزش‌های انسانی خود را قربانی امیال و هواهای نفسانی نموده است. نمونه آن، آسیه همسر فرعون است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اٰنِ لِیْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنِیْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِیْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ»^۱ خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است. در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.»

آسیه پس از آن‌که معجزه موسی علیه السلام و پیروزی وی بر ساحران را مشاهده نمود، به موسی ایمان آورد و هنگامی که فرعون از ایمان او اطلاع یافت، از وی خواست که از ایمان به موسی بازگردد و به اعتقاد پیشین خود پای‌بند باشد؛ ولی آسیه نپذیرفت. سرانجام فرعون دستور داد دست و پای آسیه را با میخ‌هایی که برای شکنجه دیگران به کار می‌برد، بسته و او را در آفتاب سوزان قرار دهند و سنگی بزرگ بر سینه او بیفکنند.^۲

آسیه، لحظات آخر عمرش را با نیایشی شکوهمند به پایان برد. در آغاز از خداوند خواست تا در جوار رحمت خویش برایش خانه‌ای در بهشت بنا کند و در مرحله بعد، از عمل فرعون و نیز فرعونیان براءت جست تا به وسیله آن، به ایمان کامل دست یابد. به همه آموخت که نباید تسلیم محیط شرک و کفر و جاذبه‌های دنیایی و زرق و برق گشت. او ملکه مصر و از هر رفاه و آسایشی برخوردار بود؛ اما همه این‌ها را فدای ایمان و اعتقاد راستین خویش نمود. بدین جهت، آسیه نه تنها برای زنان مؤمن که برای همه مؤمنان، الگو و نمونه معرفی شده است.

۲. خانواده‌ای که در آن شوهر در اوج فضایل معنوی و از پیامبران الهی است؛ اما در مقابل، همسرش نخواستگاری خود را در جریان این فضایل و تابش نور وحی قرار

۱. تحریم، آیه ۱۱.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۱۹.

دهد؛ بلکه همچنان بر کفر و شرک خویش اصرار ورزیده و هم‌داستان با کافران، از راه و رسم اولیای الهی روی گردان است. قرآن برای این مورد، از همسر نوح علیه السلام و لوط علیه السلام یاد می‌کند و می‌فرماید:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَاِمْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنَّا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ؛^۱ خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو، تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو، سودی به حال‌شان نداشت و به آن‌ها گفته شد: وارد آتش شوید، همراه کسانی که وارد می‌شوند.»

۳. خانواده‌ای که در آن شوهر و زن، هر دو انسان‌هایی آتش‌افروز بوده و در کنار یکدیگر با آیین الهی مخالفت می‌ورزند. قرآن می‌فرماید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ * سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ * وَاِمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ * فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ؛^۲ بریده باد هر دو دست ابولهب و مرگ بر او باد. هرگز مال و ثروت او و آنچه را به دست آورد، به حالش سودی نبخشید و به‌زودی وارد آتشی می‌شود که دارای شعله فروزان است و همچنین، همسرش در حالی که هیزم به دوش می‌کشد و در گردنش طنابی از لیف خرما است.»

از منظر قرآن، این نوع خانواده، از بدترین خانواده‌ها محسوب می‌شود. ابی‌لهب و همسرش ام‌جمیل که خواهر ابوسفیان بود، از دشمنان سرسخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند. ابولهب، تنها کسی بود که راه خود را از بنی‌هاشم جدا نموده بود و حاضر نشد با آنان در جهت حمایت از پیامبر همراه شود. او در بسیاری از مواقع، پیامبر صلی الله علیه و آله را تعقیب می‌کرد و در جهت تکذیب آن حضرت، تلاش می‌نمود.

فردی به نام «طارق محاربی» می‌گوید: من در بازار ذی‌المجاز نزدیک عرفات، جوانی را مشاهده کردم که خطاب به مردم می‌گوید: بگویند «لا إله إلا الله» تا رستگار شوید. در پشت سر او، مردی را دیدم که سنگ به سویش پرتاب می‌کرد و با صدای بلند می‌گفت:

۱. تحریم، آیه ۱۰.

۲. مسد، آیات ۱-۵.

مردم! این دروغ می‌گوید و گفتارش را نپذیرید. سؤال کردم: این جوان کیست؟ گفتند: محمد است که از پیامبری خویش می‌گوید و آن مرد که آزارش می‌دهد، عمویش ابولهب است.^۱

قرآن کریم از همسر ابولهب با صفت «حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» یاد می‌کند. به نظر برخی، این نام‌گذاری بدین جهت بوده که بوته‌های خار را به دوش می‌کشید و به منظور آزار رسول خدا ﷺ آن‌ها را در محل عبور پیامبر می‌ریخت^۲ و یا آن‌که از آن حضرت نزد کفار سخن چینی می‌کرد.^۳

۴. خانواده‌ای که همه اعضای آن، نیکوکار و برخوردار از فضایل معنوی و اخلاقی هستند. این، همان خانواده مطلوب قرآن و بهترین نوع خانواده است که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ارزشمندی در آن وجود دارد. از نمونه‌های کامل آن، امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان‌شان می‌باشند.

قرآن کریم در سوره انسان، ویژگی‌ها و اوصاف آن‌ها را به‌خوبی ترسیم نموده و می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * يُوفُونَ بِالَّذِئْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَّا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا؛^۴ به‌یقین، نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است؛ چشمه‌ای که بندگان خدا از آن بنوشند و هر جا بنخواهند، جاری‌اش سازند. آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر آن فراگیر است، می‌ترسند و طعام خود را با آن‌که دوستش دارند، به مستمند و یتیم و اسیر دهند. [می‌گویند:] ما فقط برای خدا شما را اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگار خود از روزی که سخت و غم‌بار است، می‌ترسیم.»

در احادیث فراوانی از شیعه و اهل سنت، شأن نزول این آیه، بر نذر امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام تطبیق شده و در نتیجه، برای تمام کسانی که می‌خواهند در شمار

۱. طبرسی، مجمع البیان، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۵۹.

۲. همان.

۳. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۴ق، ج ۲۰، ص ۳۸۷.

۴. انسان، آیه ۷-۱۰.

ابرا را قرار بگیرند، الگو خواهند بود. در کتاب *الغدیر*، ۳۴ نفر از دانشمندان اهل سنت نام برده شده که شأن نزول یادشده را در کتاب‌های خود بیان نموده‌اند.^۱

ویژگی‌های بهترین خانواده قرآنی

بارزترین و بهترین خانواده در اسلام، خانواده امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد که برای همگان الگو است. در آیاتی از سوره انسان که پیش‌تر اشاره گردید، پنج ویژگی مهم برای این خانواده بزرگ یاد شده است:

۱. وفای به نذر

آن‌جا که فرموده: «يُوفُونَ بِالَّذَرِّ بِه نَذْرٍ خَوْشِ وَفَا مِي كُنُنْد.»

۲. انفاق

ویژگی دیگر این خانواده، انفاق طعام و خوراندن غذا به نیازمندان است؛ «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ.»

از نظر قرآن، انفاق، از ارزش‌های متعالی است و در ابتدای سوره بقره، آن را از صفات متقین و نیز از عوامل دست‌یابی به هدایت و رستگاری به شمار آورده و می‌فرماید: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛^۲ قرآن، هدایت است برای تقوایندگان؛ آنان که ایمان به غیب می‌آورند و نماز به پا می‌دارند و از آنچه روزی‌شان کردیم، انفاق می‌کنند.»

و پس از بیان ایمان به معارف نازل‌شده بر پیامبر خاتم و انبیای پیشین و یقین به آخرت، می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ اینان بر هدایتی از جانب پروردگارشان هستند و اینان رستگاران‌اند.»

ترک انفاق از سوی خانواده‌ها، گاه سبب زوال برکت و از دست دادن نعمت‌ها می‌شود. در سوره قلم، داستان فرزندی را نقل می‌کند که با رویگردانی از راه و رسم پدر در انفاق مستمندان، زمینه سوخته شدن و نابودی باغ و میوه‌های آن را فراهم نمودند. این باغ، در مالکیت انسانی مؤمن بود و همواره مستمندان را از محصولات آن بهره‌مند

۱. امینی، عبدالحسین، الغدیر، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية، چاپ ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲. بقره، آیه ۲-۳.

می ساخت. پس از مردن وی، فرزندانش شیوه پدر را رها نمودند و گفتند: تعداد خانواده و فرزندان ما بسیارند و ما خود از مستمندان سزاوارتریم.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ؛ سوگند یاد نمودند میوه‌های باغ را صبحگاهان و دور از چشم مستمندان برداشت کنند.» اما سرنوشت آن‌ها بدان سان شد که قرآن می‌فرماید: «فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ. فَأَضْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ؛ به هنگام شب، در آن موقع که همه آن‌ها در خواب بودند، عذاب و بلایی تمام باغ را احاطه نمود و همچون شب، سیاه و ظلمانی گردید.»

«هنگامی که آن‌ها باغ خود را دیدند، [چنان اوضاع دگرگون شده بود که] گفتند: این باغ ما نیست، ما راه را گم کرده‌ایم؛ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ. و نیز گفتند: «در واقع، ما محرومان واقعی هستیم و نه مستمندان؛ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ».^۱

۳. اخلاص

چهارمین ویژگی خانواده مطلوب قرآنی، اخلاص است؛ «إِنَّمَا نُنْعِمُكُمْ لُوَجْهِ اللَّهِ» اصولاً اساس زندگی علوی و فاطمی، بر اخلاص استوار است. امیر مؤمنان علیه السلام که در لیلۃ المبیت به جای پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و حاضر شد جان خویش را فدا کند، تنها برای رضایت و خشنودی الهی بود. قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۲ برخی جان خویش را جهت دست‌یابی به خشنودی خدا می‌فروشدند و خداوند به بندگان خویش مهربان است.»

و یا به هنگام حضور در صحنه نبرد، آنچه را به آن توجه تام و تمام داشت، اخلاص و خشنودی خدا بود. در خصوص رویارویی امیر مؤمنان علیه السلام با عمرو بن عبدود آمده است: هنگامی که حضرت او را بر زمین افکند و آماده شد تا سر او را از تنش جدا کند، عمرو بن عبدود با افکندن آب دهان، به ساحت مقدس امیر مؤمنان اهانت نمود. حضرت فوری برخاست و لحظاتی بریدن سر وی را به تأخیر انداخت و زمانی که

۱. قلم، آیه ۱۷.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۴، ص ۴۰۵.

۳. بقره، آیه ۲۰۷.

عمرو از حضرت علت تأخیر را جویا شد، فرمود: چون آب دهان افکندی، از آن خشمگین شدم. خواستم خشم خود فرو برم و قطع نمودن سر تو، فقط برای خدا باشد.

از علی آموز اخلاص عمل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
او خدو انداخت بر رویی که ماه
در زمان شمشیر انداخت آن علی
گشت حیران آن مبارز زین عمل
گفت بر من تیغ تیز افراستی
گفت من تیغ از پی حق می‌زنم
شیر حقم نیستم شیر هوی

شیر حق را دان منزله از دغل
زود شمشیری برآورد و شتافت
سجده آرد پیش او در سجده‌گاه
کرد او اندر غزایش کاهلی
از نمودن عفو و رحمت بی‌محل
از چه افکندی مرا بگذاشتی
بنده حقم نه مملوک تنم
فعل من بر قول من باشد گواه^۱

و درباره فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روزی به او فرمود: اکنون جبرئیل نزد من است. حاجتی داری، بخواه. فرمود: «شَغَلَنِي عَنْ مَسْأَلَتِهِ لَذَّةُ خِدْمَتِهِ لَا حَاجَةَ لِي غَيْرَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِهِ الْكَرِيمِ»^۲ لذت خدمت الهی، مرا از خواستن و درخواست (حاجت) باز داشته است. مرا حاجتی جز نظاره و نگاه به وجه کریم الهی نیست.»

۴. باور داشتن به قیامت

از دیگر ویژگی‌های خانواده قرآنی، باور و اعتقاد قلبی به قیامت است؛ «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا».

۵. آرامش روانی

بعد از آشنایی با برخی ویژگی‌های قرآنی در سوره انسان، حال نگاهی داریم به برخی آیات دیگر.

از ویژگی‌های دیگری که برای خانواده قرآنی می‌توان ذکر کرد، وجود آرامش در محیط زندگی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا

۱. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی مولوی، تهران: بی‌نا، چاپ نهم، ۱۳۶۲ش، ص ۱۸۳-۱۸۷.

۲. دشتی، محمد، نهج الحیاء، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۰۹.

إِلَيْهَا؛^۱ از نشانه‌های الهی این است که برای‌تان از جنس خودتان، همسرانی آفرید تا با آنها آرامش پیدا کنید.»

بر اساس این آیه، هدف از آفرینش همسران، آرامش است. خانواده‌ای که از آرامش روی‌گردان شده و همواره اضطراب، نگرانی و نزاع را پیشه خود ساخته است، به این اصل تکوینی الهی پشت کرده و مجازات این بی‌توجهی را دیر یا زود خواهد چشید. خانواده‌ها می‌پرسند: چگونه می‌توان به آرامش رسید؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان برای نمونه برخی عوامل ذیل را برشمرد:

- یاد خدا و توجه به فرامین الهی

قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.»^۲ در یکی از روایات، امام علیه السلام در معنای ذکر می‌فرماید: مقصودم فقط گفتن «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» نیست، اگرچه این هم ذکر است، ولی منظور از ذکر الهی، این است که به هنگام رویارویی با اطاعت الهی و معصیت، خدا را به یاد داشته باشیم و [از گناه باز ایستیم].^۳ اگر افراد خانواده به احکام شرعی، وظایف اخلاقی و احکام مربوط به خانواده پای‌بند باشند، فضای آرامش بر آنان حاکم خواهد شد.

- نیک سخن گفتن

بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی، برخاسته از اهانت و گفتار ناپسند به یکدیگر است. قرآن می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ؛^۴ به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشند. به یقین، شیطان میان آنان ایجاد فتنه و فساد می‌کند.»

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. رعد، آیه ۲۸.

۳. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، چاپ اول، ج ۳، ص ۴۲۶.

۴. اسراء، آیه ۵۳.

- اخلاق نیکو

قرآن به پیامبر ﷺ خطاب می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ اگر خشن و سنگدل بودی، [مردم] از اطراف تو پراکنده می‌شدند.»

در برخی روایات، بد رفتاری و تندخویی با همسر، از موجبات فشار قبر به شمار آمده است. سعد معاذ، از اصحاب بزرگ پیامبر ﷺ بود. پیامبر بسیار به او علاقه داشت؛ چنان‌که در تشییع جنازه‌اش شرکت کرد و با پای برهنه و بدون عبا، دنبال تابوت او حرکت نمود. گاهی طرف راست جنازه را بر دوش می‌گرفت و گاه طرف چپ را. پیامبر ﷺ بر بدن او نماز خواند و به هنگام دفنش وارد قبرش شد و لحد را با دست مبارکش پوشانید. وقتی کار دفن به پایان رسید، مادر سعد کنار قبر فرزندش آمد و گفت: ای سعد! بهشت گوارایت باد! رسول خدا ﷺ به مادر سعد فرمود: ای مادر سعد! درباره فرزندت به طور جزم و یقین، چیزی را به پروردگارت نسبت مده؛ زیرا فشار قبر به او وارد شد. مردم از پیامبر ﷺ پرسیدند: ای رسول خدا! چگونه با این همه تکریم و احترام که از جانب شما واقع شد، به او فشار قبر می‌رسد؟ حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّهُ كَانَ فِي خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سَوْءٌ»^۲ رسیدن فشار قبر به وی، بدین جهت بود که نسبت به خانواده‌اش بد اخلاق بود.»

۶. محبت

از ویژگی‌های دیگری که می‌توان برای خانواده ایمانی و قرآنی ذکر نمود، وجود محبت و دوستی در میان آن‌ها است. قرآن کریم ایجاد مودت و رحمت میان همسران را از آیات الهی برشمرده و می‌فرماید: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۳ و قرار داد بین شما دوستی و رحمت را. به یقین، در این، نشانه‌هایی است برای مردمی که اندیشه کنند.»

خداوند سبزه‌ها، چمن‌زارها و جنگل‌های زیبا را آفریده است؛ اما انسان در اثر رعایت نکردن محیط زیست و تخریب جنگل‌ها و سبزه‌زارها، به این همه زیبایی توجه نکرده و

۱. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، نجف: المكتبة الحیدریة، ج ۱، ص ۳۰۹، ب ۲۶۱، ح ۴.

۳. روم، آیه ۲۱.

آنچه را باید مایه نشاط و شادابی قرار بگیرد، سبب رنج و محنت خویش قرار می‌دهد. همچنین است، نعمت محبت و عشق بین همسران. خانواده‌ها باید از آنچه موجبات صدمه به این بنای رفیع الهی را فراهم می‌کند، بپرهیزند و اجازه دهند تا این نعمت زیبای الهی، همچنان جلوه‌های نشاط و شادی را به کانون خانواده هدیه نماید. از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرَاةِ اِنِّیْ اُحِبُّکِ لَا یَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا اَبَدًا؛ گفتار مرد به همسرش که تو را دوست دارم، هرگز از قلبش محو نمی‌گردد.»

۷. مسؤلیت‌پذیری

خانواده قرآن‌مدار، مسؤلیت‌پذیر است و خود را به تعلیم و تربیت صحیح موظف می‌داند و می‌کوشد که خانواده را از خطر عذاب الهی مصونیت بخشد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگهدارید.»

در روایتی آمده است: هنگامی که آیه فوق نازل شد، یکی از یاران پیامبر ﷺ از آن حضرت پرسید: چگونه خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ حضرت فرمود: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ إِنْ أَطَاعوكُ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ؛^۳ آن‌ها را به آنچه خداوند دستور داده، فرمان می‌دهی و از آنچه خداوند نهی فرموده، نهی می‌نمایی. اگر پذیرفتند، آن‌ها را از آتش دوزخ حفظ نموده‌ای و اگر نپذیرفتند، وظیفه خود را انجام داده‌ای.»

در حدیث دیگر، امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه مزبور فرمود: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ؛^۴ خود و خانواده‌تان را نیکی بیاموزید و آن‌ها را ادب کنید.»

آنچه در داستان حضرت موسی با خضر علیه السلام در قرآن آمده است، در راستای همین مسؤلیت‌پذیری است. حضرت خضر همراه موسی علیه السلام در سفر خود به قریه‌ای

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، المكتبة الإسلامية، ج ۱۴، ص ۹، ب ۳ از ابواب مقدمات و آداب نکاح، ح ۹.

۲. تحریم، آیه ۶.

۳. عروسی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۵، ص ۳۲۷.

۴. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، بیروت: انتشارات دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۴۴.

رسیدند. از اهالی آن‌جا غذایی خواستند؛ ولی آن‌ها از میهمان کردن آنان خودداری کردند. سپس، در مسیرشان دیواری یافتند که نزدیک بود فرو ریزد. حضرت خضر علیه السلام در صدد اصلاح دیوار بر آمد تا مانع ریزش آن شود. موسی علیه السلام در اعتراض به وی پیشنهاد گرفتن اجرت نمود؛ به‌ویژه آن‌که اهالی این قریه، حاضر نشدند از آن‌ها پذیرایی نمایند. تا این‌که حضرت خضر علیه السلام در توضیحاتی که پس از تصمیم به جدایی از موسی علیه السلام بیان داشت، فرمود: آن دیوار، به دو نوجوان یتیم در شهر تعلق داشت و در زیرش، گنجی متعلق به آن‌ها وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود. پروردگار تو می‌خواست آن‌ها به حد بلوغ برسند و گنج‌شان را استخراج کنند؛ «فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا»^۱

در این‌که این گنج به‌جا مانده از پدر صالح و نیکوکار، چه بوده است، از برخی روایات استفاده می‌شود که لوحی بوده که پدر سعی نموده همراه با آن، سفارش‌های تربیتی لازم را برای فرزندان‌ش به یادگار بگذارد تا پس از بزرگ شدن، آن را به کار بندند. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: این گنج، طلا و نقره نبود؛ تنها لوحی بود که چهار جمله بر آن ثبت شده بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ يَضْحَكْ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ وَ مَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ»^۲ خدایی جز خدای یکتا نیست. کسی که به مردن یقین دارد، [بیهوده] نمی‌خندد و کسی که یقین به حساب الهی دارد، قلبش شادی [غرورآمیز] نخواهد داشت و کسی که یقین به مقدرات الهی دارد، جز از خدا نمی‌ترسد.»

البته در برخی از روایات آمده است که گنج پنهان‌شده در زیر دیوار، لوحی از طلا بوده که منافاتی با روایت پیشین ندارد؛ زیرا در روایت فوق که فرموده طلا و نقره نبود، به قرینه این روایت، معنایش این خواهد بود که درهم و دینار نبوده؛ فقط لوحی از طلا بوده است.^۳

۱. کهف، آیه ۸۲.

۲. عروسی، تفسیر نور الثقلین، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۷.

۳. ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۱۶.

در همین راستا، خداوند متعال از جمله ویژگی‌های حضرت اسماعیل علیه السلام، این صفت را برمی‌شمارد که همواره خانواده خویش را به نماز و زکات فرمان می‌داده است؛ «وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا * كَانِ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»^۱ و یا به پیامبر خاتم دستور می‌دهد که خانواده خویش را به نماز فرمان دهد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۲ و نیز مسئولیت آن حضرت را در برابر عفاف و پاکدامنی خانواده خویش و مؤمنان یادآور شده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»^۳ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خود بپوشند.»

این چنین است که لقمان حکیم، فرزند خویش را با نصیحت‌های مشفقانه نوازش می‌دهد تا مسئولیت خانوادگی خود را ایفا نماید. در بخشی از وصایای لقمان به فرزندش آمده است: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۴ پسر من! نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد، شکیباش که این، از کارهای بس مهم و ارزشمند است.»

گفتنی است، نامه امام علی علیه السلام به فرزند بزرگوارش، امام حسن مجتبی علیه السلام نیز بر همین اساس و شیوه پسندیده است.^۵

۱. مریم، آیه ۵۴-۵۵.

۲. طه، آیه ۱۳۲.

۳. احزاب، آیه ۵۹.

۴. لقمان، آیه ۱۷.

۵. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش، چاپ یازدهم، نامه ۳۱.